**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه چهل و دوم\_8 دی 1398**

عصاره نظر مرحوم صاحب قوانین این است که با توجه به اینکه اولا غالبا در زمان غیبت راه علم به احکام بسته است و ثانیا با توجه به این که نمی توان به صورت کلی برائتی شد یا احتیاطی و ثالثا با توجه به این که آن چه به عنوان ظنون خاصه مطرح میشود که دلیل خاص بر حجیت داشته باشد، کافی برای معظم فقه نیست و رابعا با توجه به این­که قاعدۀ اشتراک تکلیف بین ما و حاضرین در زمان معصوم جاری است پس راهی نیست الا اینکه به مطلق ظنون عمل کنیم. بعد در این بین هم دیروز مشاهد کردید ثابت شد نه در کتاب کریم، نه در سنت معلومة الصدور و نه در اخبار آحاد نباید دنبال ظنون خاصه­ایی گردید که برای معظم فقه کافی باشد. این تمام مدعای میرزای قمی است. ما در پاسخ این بزرگوار چند اشکال را مطرح می کنیم و غرض هم این نیست که این اشکالات همه­اش راه حلی ندارد. غرضم این است که سخن میرزا با تمام ان عظمتی که دارد نقطه هایی دارد که قابل فهم ما نیست.

اشکال اول؛ این بزرگوار چنان که دیروز هم عرض کردیم به قاعده اشتراک در تکلیف اشاره می فرمایند و می گویند اجماعی است که ما و مخاطبین و حاضرین در تکلیف مشترک هستیم. از محضر مقدس این بزرگوار قدس الله روحه می پرسیم مقصود حضرت عالی از تکلیف در کلمه اشتراک در تکلیف چیست؟ 2 احتمال دارد:

1. اینکه بگوییم در تکالیف واقعیه و گریبان گیر و فعلی و منجز هم چنان که آن ها تکالیف منجز و گریبانگیری داشته­اند به همان ها ما هم مکلفیم. اگر این مقصود است این را ما نمی فهمیم. ان ها در شرایطی بودند که تکالیفی برای ان ها گریباگیر شده است به چه دلیل ان تکالیف برای من که شرایط ان ها را ندارم و خصوصیاتی در من هست که در انها نیست. ابهامات و اشکالاتی برای من هست که برای انها نبوده است بگوییم همچنانکه باید ان ها انجام می دادند و اگر انجام نمی دادند استحقاق عقاب داشتند ما هم همینطور.
2. این است که بگوییم مرادتان از قاعده اشتراک در تکلیف تکالیف شانیه هست نه گریبانگیر این همان چیزی است که می گویند تکالیف شارع مشترک بین جاهل و عالم است اگر این منظورتان هست بله این حرف درستی است ولی این در بحث ما بحث کار سازی است چون مهم در بحث ما تکلیف شانی نیست، تکلیف گریبانگیر مراد است و این نه تنها هیچ دلیلی ندارد که ما با انها مشترک باشیم بلکه دلیل علیهش داریم عقلا و نقلا. چطور من جاهل با عالم تکلیفمان یکی باشد ان هم تکلیف گریبانگیر. ما نفهمیدیم این بحث قاعده اشتراک در تکلیف چه گره ایی را می خواهد از ایشان باز کند. بله نمازی به نام نماز جمعه ممکن است در عالم واجب باشد و آن کس که حضور امام را درک کرده است این را فهمیده است، تکلیف برایش گریباگیر است اما من که دچار از دست دادن روایات، تقطیع نقل به معنا شدم. ان علم و یقین را ندارم. نماز جمعه شانا واجب است ولی گریبانگیر من نخواهد بود.

اشکال دوم، یا بگویید نقطه ابهام دوم؛ فرمودید قاعده اشتراک در تکلیف را قبول دارم و لی لازمه اش این نیست که شیوه فهم دلیل هم یکی باشد. زمان حضور یک شیوه را می طلبد. زمان ما یک شیوه دیگر را. در ان جا هم عرض می کنیم به محضر مبارک ایشان این که شیوه ها فی الجمله با همدیگر مختلف باشند، حرف بسیار زیبا و قابل قبولی است. شیوه استنباطی در زمان حضور با شیوه استنباطی در زمان غیبت متفاوت است حرفی نیست فی الجمله ولی شما می خواستید چه بکنید؟ می خواستید همان مطلق ظنونی که در زمان حضور حجت نیست. در زمان غیبت حجت می شود.

شیخنا الجلیل این را به دو عبارت می شود گفت:

1. بگوییم با فرض وجود ظنون خاصه در زمان حضور نوبت به حجیت مطلق ظنون نمی­رسد. اگر این را می گفتید ما هیچ حرفی نداشتیم اما شما اول بحث ظن که وارد می شوید از آیه انّ الظن لایغنی من الحق شیئا استفاده می­کنید. یا و لا تقف ما لیس لک به علم، یعنی دنبال این هستید که بگویید اصلا بساط ظن را جمع کنید، حال انفتاحی مشکلی برایش نیست چون همه جا می گوید ان الظن لا یغنی من الحق شیئا. شما چرا می آیید سراغ ظن مطلق؟ نگویید ظن ملق هیچ کاهر است بگویید در زمان حضور سراغ ظن مطلق نمی رویم چون نوبت بهش نمی رسد اما اگر عباراتتان طوری است که اصلا زیربنای ظنون را می زنید چطور می گویید در فرض انسداد می آییم سراغ ظنون؟ ما از این مشکل خود را راحت کردیم و گفتیم ظن قرآنی با ظن منطقی تفاوت دارد چنان که علم قرآنی با علم مظنقی متفاوت است و ان استدلالات را در قرآن نیاورید. ان الظن لا یغنی من الحق شیئا ربطی به ظن منطقی ندارد این یعنی وهم واهی. اگر ما این را گفتیم پس نیامدیم ان بنیادی را که شما گذاشتید در کلمه ظن قرار دهیم. ما چیزی را که بنیان اساسی گذاشتیم این است که باید حجت اقامه شود چه در زمان حضور و چه در زمان غیبت و خواهیم گفت حجت ها متفاوت است. این حرف را تا اینجا از میرزا می پذیریم که حجت زمان حضور با حجت زمان غیبت متفاوت است ولی حجت یعنی علم عادی ولو شما در منطق اسمش را بگذارید ظن. من با اسم گذاری منطقی کاری ندارم و این حجت در زمان حضور چندان نیازی به حساب احتمالات ندارد . این است فرق بین زمان حضور و زمان غیبت. در حالی که در زمان غیبت ما باید با حساب احتمالا جلو بیاییم.

اشکال سوم؛ شیخنا الجلیل شما روی آوردید به حجیت مطلق ظن، از شما می پرسیم کدام ظن را می گویید؟ در چه درجه و در چه راهی؟ کدام ظن مرادتان است؟ بالای 50 درجه تا زیر 100 درجه ظن است. کدام مرادتان است؟ همه این ها حجت است. البته معلوم است اولویت بندی می کنیم مثلا اگر 80 هست سراغ 70 نمی رویم.

آیا مرادتان این است یا مراد ظنی است که درجه اعتبارش نزدیک به یقین باشد؟

و نیز منشا ظن چه باشد؟ همه شراح کلام میرزا از همان وقت که ما بحث انسداد را می خوانیدم این را به ما یاد می دادند که ظن از هر راهی به دست بیاید. و می فرمودند مهم برای میرزا ظن است ولو خواب دیده باشد و از راه علوم غریبه ظن برایش حاصل شود. و این معنا هم بعید نیست چون میرزا تاکید اصلیش روی ظن است. بالاخره شما که می فرمائید حجیت ظن اگر مرادتان حجیت ظن متآخم به علم است که نحن نسمیه بالاطمینان و العلم العادی و قرآن هم به همین علم می گوید اگر همین راه می گویید که هیچ و اگر می گویید نه از هر راهی از راه هایی که عقلا طی راه را تجویز کنند. در امور مهمه به ان راه اعتماد کنند. عقلا در امور مهمه به خواب اطمینان ندارند. راه باید عقلائی باشد و تجمیع القرائن طریق عقلائی. اگر این را می گویید ما با شما از این جهت هیچ راهی نداریم ولی اگر می گویید ظن حجیت دارد در هر مرتبه ایی که باشد. ما این را بعدا با ذکر ادله قرآنی ثابت می کنیم که باطل است. علاوه بر ادله قرآنی عقل و عقلا هم در امور مهمه هم سراغ هر ظنی نمی روند هم هر منشی را برای ظنون نمی پذیرند.

اشکال چهارم؛ شما با بیان ما در مورد احتیاط دو حرف داشتید یکی این که اگر بخواهید احتیاط را به معنای همه محتملات بگیرید این باعث عسر و حرج است. دیگر این که اگر بخواهید احتیاط را با جمع محتملات است و یا با توقف. و توقف در فتوا و عمل هم باعث می شود که شما در مظان وساوس شیطانی واقع شوید و این احتیاط خلاف احتیاط است.

پس اگر احتیاط به این است که همه محتملات را بیاورید این عسر حرج است و اگر توقف کنید این خلاف احتیاط است

ما فی الجمله حرف ایشان را می پذیریم ولی به محضر مبارک ایشان عرض می کنیم کسانی که می گویند نماز جمعه در عصر غیبت حرام است. یا ان فقهایی که میفرمایند در عصر غیبت اجرای حدود جایز نیست و حرام است. مراجعه کنید به کتاب جامع المدارک مرحوم اقای خوانساری ج7 ص 57 و 58، ایشان متمایل است که اجرای حدود منوط است به حضور امام. این ها حرفشان چیست؟ حرف این ها به نظر بنده این است که یک وقت شما در نماز جمعه شک می کنید ایا نماز جمعه قنوت دارد یا ندارد؟ حکم به برائت می کنید و حرفی نیست ولی گاهی شک می کنم اذن معصوم شرط در نما جمعه است یا نه؟ می روم سراغ ادله ، اگر به این نتیجه رسیدم که شرط است فتوا هم می دهم به حرمت اما اگر از ادله شک کردم که به لزوم اذن امام، معنای این شک این است که نماز جمعه در عصر غیبت مشروع است یا بدعت است؟ مشروع بودن دلیل می خواهد این اقا یا از روایات استنباط می کند که قطعا اذن امام شرط است پس فتوا به حرمت می دهد. یا به شک می خورد که شک در اصل مشروعیت دارد. یا در مورد حدود هم همین است این ها می خواهند بگویند اجراء الحدود فی زمان الغیبه با توجه به برخی از روایات یا قطعا جایز نیست یا اگر هم این نشد حداقل در مشروعیتش شک می کنیم و در حدود این اضافه می شود چون بحث آبرو است و ما در این جا دستورات ویژه داریم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.